



فیض خداوند عیسی مسیح، محبت خدا و رفاقت روح القدس با همه شما باد.

عید تثلیث

اول قرن‌تین ۱۳ ، ۱۱ - ۱۴

11 در خاتمه، ای برادران، شاد باشید؛ احیا شوید؛ پند گیرید؛ همراهی باشید؛ و در صلح و صفا زندگی کنید،

که خدای محبت و صلح و صفا با شما خواهد بود. 12 یکدیگر را به بوسه‌ای مقدس سلام گوید.

13 همه مقدسین، شما را سلام می‌فرستند. 14 فیض خداوند عیسی مسیح، محبت خدا و رفاقت روح القدس با همه شما باد. آمین.

مردم می‌خواهند در مورد نحوه زندگی و انتخاب‌هایشان آزادانه تصمیم بگیرند. به همین دلیل، وقتی کسی خیلی به ما نزدیک می‌شود یا حتی مزاحم ما می‌شود و بدتر از آن حتی سعی می‌کند زندگی شخصی ما را کنترل یا دستکاری کند، ما با عصبانیت واکنش نشان می‌دهیم و ناامید می‌شویم. به این دلیل خودمان را از چنین افرادی جدا می‌کنیم. با وجود این، ما نمی‌خواهیم تنها زندگی کنیم؛ ما می‌خواهیم زندگی خود را با دیگران به اشتراک بگذاریم. ما می‌خواهیم شادی‌ها و غم‌هایمان را با هم به اشتراک بگذاریم و به دیگران نیاز داریم که این کار را با ما انجام دهند. با این حال، در جایی که چندین نفر با هم زندگی می‌کنند، نظرات مختلفی هستند که می‌توانند منجر به شکاف‌های غیرقابل عبور شوند و جامعه را نابود کند زیرا آنها نمی‌توانند به توافق برسند.

یک مثال: در یک انجمن کلیسا، جدال بزرگ اتفاق افتاده بود. در ابتدا این جدال در مورد سبک موسیقی بود، اما بعد از آن موضوع دیگری اضافه شد: بعضی از همین اعضای کلیسا عقیده متفاوت در مورد سبک عبادت داشتند، بعضی دیگری هم دیدگاه متفاوتی در مورد خطبه داشتند، بالاخره دعوا آنقدر بزرگ شد که هیچ کس نمی‌توانست آن را تحمل کند. افرادی آنقدر عصبانی بودند که کلیسا را ترک کردند و گفتند «هیچ وقت نمی‌خواهم برگردم» پولس رسول ستیزی شبیه آن با اجتماع قرن‌تین داشت. آن ستیز او را شخصاً تحت تأثیر قرار داد و او را ناراحت کرد. درعین حال هیچ سازشی ممکن نبود. و بعد از آن این درود ویژه از پولس می‌آید:

«در صلح و صفا زندگی کنید، که خدای محبت و صلح و صفا با شما خواهد بود. یکدیگر را به بوسه‌ای مقدس سلام گوید.» می‌توانی آن درود را تصور کنی؟ به عنوان مثال: بعد از یک ستیز بزرگ باید برادر یا خواهر خودت را ملاقات کنی یعنی همان کسی که تو را ناراحت کرده است. و آن تو باید او را ببوسی! این بوسه در زمان کلیسای قدیم علامت معروفی بود. به همین دلیل پولس آن را مقدس نامیده است. با این بوسه اعضای کلیسا نشان می‌دادند که با یکدیگر اشتراک دارند. این بوسه یک علامت عشق و همبستگی بود و با آن روشن بود که اعضای کلیسا در جسم عیسی متحد بودند. اما چه می‌شود اگر این کار ممکن نباشد؟ چه اتفاقی می‌افتد زمانی که نفرت و تقبیح در کل جمعیت نفوذ کرده است؟ چه اتفاقی می‌افتد در موقعی که عشق و اتحاد ممکن نیست؟ و هم چنین ممکن نیست که انسان‌های متفاوت بتوانند با یکدیگر مرادوه کنند؟ در این موقع ممکن نیست انسان دشمنش را ببیند. چه برسد او را ببوسد! منظور پولس این نیست که انسان‌ها را مجبور کند همه تضادها را تنها با یک بوسه حل کنند. چنین چیزی غیرطبیعی و غیر واقعی خواهد بود. با این درود کوتاه، پولس از ما نمی‌خواهد که همه تضادها را با یک بوسه کنار بگذاریم. در عوض، کلمات او ما را به چالش می‌کشد تا با دیگران روبه‌رو مواجه شویم. او ما را به چالش می‌کشد، برای صحبت کردن با شخصی دیگر. او ما را به چالش می‌کشد به دنبال صلح! با این کلمات، پولس تمام درگیری‌های گذشته را توجیه می‌کند. و تایید می‌کند که ما مسیحیان هنوز در بهشت نیستیم. به همین دلیل است که ما همه مشکلاتی را که دیگران در این دنیا دارند، با هم به اشتراک می‌گذاریم. زندگی ما به عنوان مسیحیان به طور پیوسته بهتر و بهتر نمی‌شود، بلکه مسیر مسیحیان و کلیسا با صدمه، ناامیدی و اختلاف استوار شده است. کسی که در چنین اختلافاتی قرار دارد، در ابتدا فقط چیزی را که صدمه می‌زند، می‌بیند. حتی اگر این موضوع کوچک باشد، آنقدر بزرگ می‌شود که تمام زندگی‌اش را اشغال می‌کند و مثل سرطان تمام روابط را از بین می‌برد. این وضعیت ناامیدکننده است. پیشنهاد پولس این است که به هر قیمتی از چنین فروپاشی کاملی جلوگیری کنیم. اما چگونه می‌توان وقتی رابطه‌ای از هم پاشیده است، به آشتی رسید؟ می‌خواهم این را با یک داستان کوتاه توضیح دهم: در تصویر بالا می‌توانید ببینید چه چیزی اتفاق می‌افتد. درعکس بالا ما دو الاغ را می‌بینیم. هر یک از آنها یک غذا در مقابلش دارد. هر یک از آنها برای رسیدن به غذای مقابلش تلاش می‌کند اما او نمی‌تواند این کار را کند، چون همکاری مانع کار اوست. این دو الاغ در واقع به هم متصل هستند، هر دو ی آنها در این وضعیت هستند، به دلیل طنابی که آنها را به یکدیگر متصل می‌کند. این بدان معنی است که آنها نمی‌توانند به مقصد خود برسند. دلیل دوم مشکلشان این است که هر دو الاغ به طور هم‌زمان در جهت مخالف حرکت می‌کنند. آن الاغ‌ها به اشتباه فکر می‌کنند باید همسایه‌اشان را شکست دهند تا بتوانند به هدف برسند. آنها تا زمانی که قدرت آنها به پایان برسد مبارزه می‌کنند. اغلب می‌بینم که همین اتفاق می‌افتد. مهم نیست که چه اختلافی است، هر کسی

عقیده دارد که حق با خود اوست. همه ی انسان ها با همدیگر مبارزه می کنند تا زمانی که قدرت آن ها به پایان برسد... متأسفانه بسیاری از مردم فقط در همین نقطه می مانند. کاملاً خسته شده اند زیرا آنها در مبارزه با یکدیگر شکست خورده اند... و در نهایت، هیچ کس به هدف خود نرسیده است. دو الاغ در تصویر ما این کار را برای اولین بار انجام می دهند. بلاخره آنها یکدیگر را در نقطه ی مرکز ملاقات می کنند. در آنجا ناگهان درک می کنند که هدفی یکسان دارند. اما پس از آن مانند اعضای کلیسای پولس، دیگری را می بینند. بله، دیگران را مشاهده می کنند! و همچنین شروع به گفتگو با یکدیگر می کنند. الاغ ها در وسط می نشینند و کشف شگفت انگیزی می کنند: این که آنها هر دو هدفی مشابه را دنبال می کنند ... حتی اگر این هدف در ابتدا در جهت مخالف به نظر آید. کشف کردن این که آنها واقعاً یک چیز را می خواهند، تنها گامی کوچک برای سازش واقعی است. در نهایت، شگفت آور است که غذای هر دو الاغ به یک اندازه خوشمزه است. توصیف پولس به قرنطین شبیه مثال الاغ ها است. مسیر مسیحیان دقیقاً یکی است. او می خواهد توجه ما را به تصویر بزرگ جلب کند. او این را با اشاره کردن به راه به سوی خداوند سه گانه نشان می دهد... از آنجا که امروز جشن تثلیث است، اعتراف سه گانه خداوند امروز در مرکز عبادت ماست. با پیوستن اعتراف سه گانه به وضعیت درگیری، پولس نشان می دهد که چگونه خدا ما را به بیرون از درگیری هدایت می کند. و این خدای سه گانه، آن مشارکت بی نظیری است که از همه چیز فراتر می رود. در خدای سه گانه، تفاوت ها، استقلال و رفاقت، مانند هیچ رابطه دیگری، در کنار هم قرار می گیرند. از یک سو، نزدیک ترین رفاقت ممکن بین پدر، پسر و روح القدس که قابل تصور است: یک هدف، یک عشق، اعتماد کامل به یکدیگر. و از سوی دیگر، در عین حال، افرادی متفاوت هستند: پدر پسر نیست، پسر پدر نیست، روح القدس پسر نیست. با وجود تمام وحدتشان، آنها از یکدیگر متمایز و افراد مستقلی هستند. اجتماع و استقلال در اینجا به شکل بی سابقه ای در کنار هم قرار می گیرند. اگر ما با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشیم، باید پایه ای برای ادامه دادن پیدا کنیم. وقتی که دو نفر با هم نزاع می کنند، آنها به شخصی سوم احتیاج دارند که دست هر دو را بگیرد. خداوند کسی است که بالاتر از هر چیزی است. و دستش را به سوی تو دراز می کند. همانطور که دست خود را برای برادر یا خواهر تو دراز می کند. عیسی مسیح، راه به سوی خدا را باز کرده است. این کار را وقتی که گناه ما را از بین برد انجام داد. به همین دلیل ما می توانیم گناهان همسایگانمان را ببخشیم. و روح القدس که در میان ماست، ارتباط و عشق ایجاد می کند. او نه تنها ما را با خداوند، بلکه با همسایگانمان نیز ارتباط می دهد. همانطور که ما را با کل کلیسا در جهان ارتباط می دهد. همه اینها را پولس به عنوان یک ضرورت مهم به ما می گوید. او به معنای واقعی کلمه، نام خداوند سه گانه را به عنوان یک برکت در کلیسا بیان می کند. این بیشتر از یک بازتاب است. حضور زنده خداوند در این برکت وجود دارد. در غسل تعمید ما با نام خداوند سه گانه تعمید می گیریم و در این وضعیت، پولس این را می گوید که از طریق غسل تعمید نشان خدا در ماست. پولس این را فقط به عنوان یک انگیزه مهم به ما نمی گوید که همه ما باید تلاش کنیم تا مانند خدای سه گانه یکی شویم. پولس نمی گوید: «خودتان را جمع کنید و مانند تثلیث یکی شوید!» نه، اساساً آنچه پولس در اینجا می گوید یک وعده قدرتمند است! او به معنای واقعی کلمه نام خدای سه گانه را به عنوان نعمتی بر کلیسا اعلام می کند. این چیزی بیش از یک تأمل است. همچنین چیزی بیش از یک الگو است که می توانیم و باید از آن پیروی کنیم. حضور زنده خدا از فردی به فرد دیگر منتقل می شود. پولس روشن می کند که همه ما از یک منبع و یک قدرت زندگی می کنیم. هنگامی که او از ما می خواهد که یک ذهنیت داشته باشیم یا به بوسه مقدس یکدیگر احترام بگذاریم، اینها نه تنها کلمات خالی هستند، بلکه کلماتی هستند که تنها از طریق قدرت خداوند سه گانه در میان ما عمل می کنند. البته همیشه در میان ما مسیحیان اختلاف وجود خواهد داشت. روش های مختلف تفکر وجود دارد. فرهنگ های مختلفی وجود دارد، حتی در زبان عبادت، زبان های مختلفی وجود دارد. اما آنچه که ما را متحد می کند، خدای زنده است که به ما تعلق دارد و ما را برکت می دهد. در آگاهی از این خدا، که ما را در تمام تنوع ما برکت می دهد، می گویم:

فیض عیسی مسیح خداوند، محبت خدا و رفاقت روح القدس، با همه شما باد، آمین.